مدیریت شهری
شماره ۵۵ تابستان ۹۸
No.55 Summer 2019
۲۳۹-۲۵۴
زمان دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۱۰/۰۲ زمان پذیرش نهایی: ۱۳۹۸/۵/۲۳

مطالعهٔ آسیب‌شناختی سیر تحول ساختار فضایی شهر تاریخی نراق از دههٔ ۱۳۴۰ تا دههٔ ۱۳۹۰

حمیدرضا جیحانی*– استادیار دانشکدهٔ معماری و هنر، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران
علی عمرانی پور – استادیار دانشکدهٔ معماری و هنر، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران
فاطمه رجبی– کارشناس ارشد مرمت بناها و بافت های تاریخی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز، تهران، ایران

چکیده
نراق دارای محدوده‌ای تاریخی است که در دوران مختلف شکل گرفته و آثار معماری ارزشمندی را شامل می‌شود. سازمان کالبدی فضایی شهر تاریخی در طول زمان آسیب زیادی دیده و چند دوره تحول مهم را پشت سر گذاشته است. یکی از مهمترین تحولات، تغییر جایگاه شهر در منطقه بوده است. از تغییرات قابل توجه دیگر که برآمده از نوع مدیریت و برنامه‌ریزی شهری است و بر سازمان فضایی و ساخت ارتباطی شهر تأثیر زیادی داشته، احداث خیابان در دهه ۱۳۵۰ است. در این مقاله ساخت شهر از منظر تحولات شش دههٔ اخیر و با استفاده از تکنیک نحو فضا ، مطالعه و آسیب‌شناسی خواهد شد تا تأثیر برنامه‌های تدوین شده و تغییرات رخ داده شده بر ساختار فضایی شهر روشن شود. بررسی‌های صورت گرفته در این مقاله، علت مشکلات حادث‌شده برای شهر را در دورهٔ زمانی تعیین‌شده دنبال کرده و در پی تعیین جایگاه عناصر اصلی ساختار فضایی شهر از گذشته تا امروز است. مطالعهٔ پیکره‌بندی شهر و تغییراتی که در آن به‌وقوع پیوسته، نشان می‌دهد که ساختار فضایی نراق طی شش دهه، از شکل ارگانیک اولیه به شهری محوری تبدیل شده است؛ به‌نحوی‌که براساس آخرین تغییرات، دو هستهٔ منفک را نیز شامل می‌شود.

کلیدواژه‌ها: نراق، بافت تاریخی، ساختار فضایی شهر، نحو فضا

The Evolution of the Spatial Structure of Naraq, 1960s to 2010s; A Pathological Study

Abstract
In addition to the natural characteristics of the area, Naraq has enjoyed a boom for a long time due to its location on the route of an important road for the caravans and travelers. Considering the visible changes in recent decades, the question arises that how has the urban structure changed due to the alterations that have taken place in the city? In this study, the pathology of the historic city focuses on the structure and configuration of the whole city and the spatial structure of Naraq are studied using the Space Syntax method. According to the results of the analysis based on the Space Syntax method, indicators such as integration and choice are scrutinized. The results show that the construction of the street in the early 1970's has given the city a focal point and following the Kashan-Delijan road, it is in line with the whole city. During the changes that took place in the second period, the bazaar is still located in a significant part of the axial city and plays a key role in the urban configuration. Although since the 1970s the construction on the northern side of the river valley has been started in a limited way, but the urban development based on residential neighborhoods has created vast changes in its spatial structure since the late 1980s. As a result of these changes, the axial city in the second period has quickly become a dual-core city, as the street connects the two cores. In addition, the new urban structure, which is widely formed based on the street, and the position of historic urban cores on the south side of the street and the new residential core on the north, has led to the isolation of both of these cores.

Keywords: Naraq, historic fabric, spatial structure, space syntax

* نویسنده مسئول مکاتبات، شماره تماس: ۰۹۱۲۳۲۳۸۲۳۱ ، رایانامه: jayhani@kashanu.ac.ir

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

مقدمه

شـهر تاریخی نراق، در حدفاصل کاشـان و دلیجان، در میـان دره‌ای گشـوده به‌سـوی غـرب واقع شـده اسـت و از نظـر جغرافیایـی و توپوگرافـی موقعیـت ویـژه‌ای در منطقـه دارد. پیرامـون شـهر را کوه‌هـای مختلفـی دربرگرفتـه و هسـتهٔ کالبـدی آن در اراضـی شـیب‌دار واقـع در جنـوب رودـدره‌ای در میـان ایـن کوه‌هـا قرار گرفتـه اسـت. عـلاوه بـر خصوصیـات طبیعـی منطقه، نـراق به‌دلیـل جایگاهـی کـه در مسـیر یـک راه مهـم کاروان‌رو داشـته، بـرای دورانـی طولانـی از رونـق برخـوردار بـوده اسـت. به‌واسـطهٔ این موقعیـت تجاری و این‌کـه کاشـان به‌عنـوان یـک قطب اقتصـادی در آن نقـش به‌سـزایی داشـته، مجموعـهٔ بـازار تاریخـی نراق در راسـتای راه منتهی به کاشـان سـاخته شـده اسـت. در ادامـهٔ رونـد توسـعه و بعد از سـاخت بـازار در بخش شـمالی شـهر و جایـی نزدیک‌تـر بـه رودـدره، محـلات مسـکونی متأخـر گسـترش یافتـه و الگـوی معمـاری متناسـب بـا آن بـه پیکـرهٔ شـهر افزوده شـده اسـت.

بـا تغییـر راه تجـاریِ اصلی تهـران به اصفهـان از طریق کاشـان، بـه راه جدیـدی کـه قـم را از طریـق دلیجـان بـه اصفهـان متصـل می‌کنـد و تحـول ناشـی از آن در سـازوکار حمل‌ونقـل تجـاری، نـراق جایـگاه خـود را در تجـارت منطقـه از دسـت داده اسـت. در پـی ایـن تغییـر مهـم، جایـگاه مجموعهٔ بـازار به‌تدریـج تضعیف شـده و بـه یـک کاربـری محلـی تقلیـل یافتـه اسـت. در چنیـن وضعیتـی بـا کاهـش اشـتغال، بسـیاری از سـاکنان و به‌خصـوص جوانان بـرای چند دهه از شـهر مهاجـرت کرده‌انـد و بخش‌های وسـیعی از شـهر خالی از سـکونت شده اسـت. سـاکنان باقی‌مانده در شهر نیز به‌دلیـل ضعـف اقتصادی تـوان نگهـداری از بخش‌های باقی‌مانـده و عمدتـاً تاریخـی را نداشـته‌اند. لـذا شـهر بـرای دهه‌هـای متمـادی با یک رونـد فرسـایش روبرو شـده اسـت. پیـش از تشـدید ایـن آسـیب‌ها و در دههٔ ۱۳۵۰، به‌تبعیـت از چارچوب‌هـا و راه‌حل‌هـای نظـام برنامه‌ریـزی شـهری ایران، بخشـی از راه عبوری از نراق بـه خیابـان اصلـی تبدیل شـده اسـت. این خیابـان در محـدودهٔ نزدیـک بازار کمی به شـمال منحرف شـده تا بخـش اصلی بـازار تاریخی که دقیقاً بر سـر راه تاریخی قـرار داشـته اسـت، تخریـب نشـود. خیابـان یادشـده حتـی اگر در جهت بهبود وضعیت شـهر سـاخته شـده باشـد نیز نتوانسـته تأثیری عمیق بر اقتصاد آن بگذارد و رونـد طولانی فرسـودگی شـهر ادامه یافته اسـت. در چنیـن وضعیتـی، از دهـهٔ ۱۳۷۰ و در جهت نوسـازی، بـرای اولین بار در تاریخ نراق، محدودهٔ مسـکونی شـهر به‌سـوی شـمال رودـدره گسـترش یافته اسـت. ساخت این شـهرک، تغییر مثبتـی در بهبود وضعیت سـاکنان و رونـق گرفتـن اقتصـاد شـهر ایجـاد نکـرده اسـت. اما درعین حال سـبب شـده تا شـهر، شـکل و پیکره‌بندی جدیـدی بیابـد. در دهه‌هـای بعـد، توسـعه و تغییـرات مـورد اشـاره در ابعـاد مختلـف بـر شـهر تاریخـی و یـا هسـتهٔ تاریخـی شـهر اثرگـذاری کـرده و بسـیاری از ویژگی‌هـای کالبـدی و حتی کارکـردی آن را مخدوش کـرده اسـت. هـدف این مقالـه شـناخت و ارزیابی تأثیر تغییـرات صورت‌گرفتـهٔ سـدهٔ اخیـر در پیکره‌بنـدی و سـاختار فضایی نراق اسـت.

پیشینهٔ تحقیق

دربارهٔ سـیر تحول سـاختار شـهری نراق، مطالعهٔ علمی منتشـر شـده‌ای در دسـترس نیسـت. لـذا بـا توجـه به رویکـرد مقالـه، پیشـینهٔ تحقیـق بـه پژوهش‌هایـی محـدود شـده کـه در آن‌هـا سـاختار فضایـی شـهر تاریخـی ایرانـی و جایـگاه بخـش تاریخـی آن بـا ارجاع بـه مطالعـات نحـو فضـا مـورد توجـه قـرار گرفته‌انـد. مطالعـات نحـو فضـا، روشـی بـرای آگاهـی یافتـن از سـاختار فضایی شـهر و همچنین فهم جایگاه بخشی از شـهر نسـبت به کل آن اسـت. برای مثـال پژوهش‌های انجـام شـده بـر روی شـش شـهر کـه بـا اسـتناد بـه روش یـاد شـده صـورت گرفتـه، به‌طـور واضـح اهمیت و جایـگاه بـازار در شـهر ایرانـی را آشـکار می‌کنـد. کریمـی بـا مطالعـهٔ سـاختار فضایـی کرمـان، شـیراز، همـدان، سـمنان، کرمانشـاه و قزویـن، به‌دنبـال یافتن منطـق فضایـی ایـن شـهرهای تاریخـی اسـت و ضمن مطالعهٔ پیکره‌بندی کلی شـهر، جایگاه هسـتهٔ منسـجم

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

و فشـردۀ شـهری واقـع در مرکـز را بازنمایـی می‌کند؛ جایـی کـه از نظـر او مرکـز اقتصـادی، بازار یا «سـتون فقـرات شـهر» اسـت (Karimi, ۱۹۹۷). در مطالعه‌ای دیگـر بـه این روش، نسـبت میان هسـتۀ مرکزی و کل شـهر بررسـی و عنـوان شـده کـه شـهرهای تاریخـی، سـطوح مختلـی از رابطـۀ جـزء-کل ایجـاد می‌شـود. ازایـن منظـر، در محدوده‌هایـی ماننـد بـازار و خیابـان اصلـی در مرکـز شـهر، شـدیدترین برهم‌کنش‌هـای داخلـی و خارجـی روی می‌دهنـد و رابطـۀ جـزء-کل بسـیار قوی اسـت. این نکته نشـان می‌دهـد که چگونه سـاختار فضایی در پاسـخ به فعالیت‌های جامعه شـکل گرفتـه اسـت (Karimi, ۲۰۰۰). در مطالعـه‌ای دیگـر رابطۀ سـاختار فضایی شـهر و جایگاه بـازار در دو نمونۀ دزفـول و شوشـتر بـا تکیـه بر ایـن روش مطالعه شـده اسـت (مسـعودی‌نژاد، ۱۳۹۵، ص۷۸).

علاوه براین، مطالعۀ تأثیر توسـعۀ شـهری بر شـهرهای تاریخـی ایـران موضـوع مطالعاتی دیگر نیز بوده اسـت. در پژوهشـی متمرکـز بـر اصفهـان، تأثیـر طرح‌هـای توسـعۀ شـهری بـر سـاختار فضایـی هسـتۀ تاریخـی شـمال اصفهـان بـا ایـن روش مطالعـه شـده و ازجمله بـه تخریـب سـاختار سلسـله‌مراتبی و اسـتخوان‌بندی قدیمی شـهر اشـاره شـده اسـت (صادقـی، قلعه‌نوعی و مختـارزاده، ۱۳۹۱، ص۱۰). در یـک نمونـۀ دیگر، تأثیر طرح‌هـای توسـعۀ شـهری بـر سـاختار فضایـی خرد و کلان زنجان مطالعه و اشـکالات ایجاد شـده در بخشـی از محدودۀ تاریخی سـنجیده شـده اسـت (علی‌آبادی و بابایـی، ۱۳۹۶، ص ۶۴۵). در نمونـه‌ای دیگـر دگرگونی سـاختار فضایـی کالبدی سـبزوار مطالعه شـده و نقش دو عنصـر بـازار و خیابـان در ایجـاد یکپارچگـی و گسسـت مورد بررسـی قرار گرفته اسـت (سـلطانی‌فرد و دیگـران، ۱۳۹۲، ص۱۶۴).

مدل مفهومی

بـا توجه به مسـألۀ طرح‌شـده و تغییرات قابل مشـاهده در دهه‌هـای اخیـر، ایـن پرسـش قابـل طرح اسـت که سـاخت شـهری نراق در پی تحولات رخ داده شـده چه تغییـری کرده اسـت. این پرسـش خـود متضمن طرح پرسشـی دیگـر نیـز هسـت؛ این‌کـه سـاخت تاریخـی نـراق از چـه زمانـی دسـتخوش تغییرات عمیق ناشـی از مداخـلات معاصر شـده اسـت. بـرای پاسـخ دادن به پرسـش‌های یادشـده، درایـن مقالـه براسـاس مطالعـۀ هسـتۀ اولیه و نحوۀ توسـعۀ شهر در گذشته و همچنین تغییـرات مهـم رخ داده شـده در سـدۀ اخیر، سـه دورۀ مهـم تغییروتحـول در سـاختار فضایـی شـهر تعریـف شـده و سـپس تـلاش می‌شـود تا نقـش عناصـر اصلی شـهر تاریخـی در پیکـرۀ کلـی در سـه دورۀ یادشـده مطالعـه و بررسـی شـود. از آن‌جـا کـه بخش‌هـای مهم شـهر جایـگاه خـود را طـی نیـم سـدۀ اخیـر از دسـت داده‌انـد، نـگاه کلـی مقالـه به موضـوع یادشـده نگاهی آسیب‌شـناختی اسـت.

روش‌شناسی تحقیق

در ایـن مطالعۀ آسیب‌شـناختی، سـاختار فضایی شـهر تاریخـی بـا روش نحـو فضـا مطالعـه می‌شـود. نحـو فضـا، مجموعـه‌ای از شـیوه‌ها و روش‌هـای اندازه‌گیری اسـت کـه بـه تحلیـل پیکره‌بنـدی فضایـی در مقیاس معمـاری و شهرسـازی و رابطۀ آن با سـاختار اجتماعی محیـط می‌پـردازد (Hillier, ۱۹۹۷, ۳-۴). براسـاس خروجی‌هـای حاصـل از ایـن تحلیـل، شـاخصه‌هایی ماننـد انسـجام و گزیـده مطالعـه و بررسـی خواهنـد شـد. مطالعـۀ شـاخصه‌های یادشـده بـه فهـم سـاختار شـهر و تغییراتـی کـه در طـی یـک مدت مشـخص در آن رخ داده کمـک می‌کنـد؛ ازجملـه هـر تغییـری کـه در رابطۀ میان عناصر سـازندۀ شـهر ایجاد شـده باشـد، بـر شـاخصه‌های یادشـده تأثیـر گذاشـته و آن‌هـا را تغییـر می‌دهد. بررسـی ایـن تغییـرات می‌تواند تحلیل سـاختار فضایـی شـهر و تغییـرات آن را ممکـن کنـد. ایـن روش پـس از تجزیه‌وتحلیل ارتبـاط کلیۀ فضاهای شـهری بـا یکدیگـر، نتایـج را به‌صـورت مدل‌هـای ریاضـی و گرافیکـی ارائـه می‌دهـد (عبـاس‌زادگان، ۱۳۸۱، ص۶۶). در ایـن پژوهـش بـرای رسـیدن بـه شـناختی دقیـق از سـاختار فضایی نـراق و تغییرات رخ داده شـده در آن، دامنـۀ مطالعـه به سـه دورۀ تاریخی متوالـی در طـول حـدود شـش دهـۀ اخیـر تعمیـم

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

داده می‌شود تا روشن شود که تغییرات مورد نظر به‌طور عام و احداث خیابان اصلی و همچنین شهرک فاضل نراقی و توسعهٔ جدید شهر در شمال رود_دره به‌طور خاص که نتیجهٔ مدیریت کلان شهری هستند، چه تغییراتی در ساختار فضایی آن ایجاد کرده‌اند؛ و دیگر این‌که بنا بر این تغییرات، چه آسیب‌هایی به پیکره‌بندی کلی شهر وارد شده است. بدین ترتیب تلاش می‌شود ساختار فضایی کل شهر در سه مقطع زمانی دهه‌های ۱۳۴۰، ۱۳۶۰ و ۱۳۹۰ مطالعه شود. دوره‌های یادشده به دههٔ پیش از احداث خیابان، دههٔ پس از آن و دههٔ اخیر اشاره‌دارد.

۱. پژوهش در تاریخ شکل‌گیری و بستر کالبدی نراق

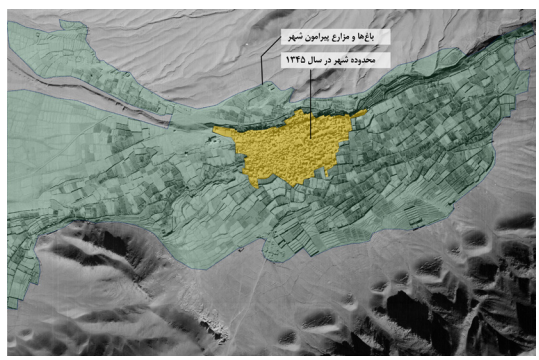
جدای از اطلاعات تاریخی محدود و پراکنده در مورد نراق، پژوهش‌ها و مطالعات متکی بر گمانه‌های باستان‌شناسی و یافته‌های کالبدی نیز بسیار ناچیز است. عمدهٔ دانش امروزی ما از نراق بر اساس توصیف‌هایی کم‌شماری شکل گرفته که در متون تاریخی آمده است. شرح کلانتر ضرابی در تاریخ کاشان، اشارات حسن قمی در تاریخ قم، بستان‌السیاحه نوشته شیروانی و خاطرات حاج سیاح از جمله این منابع هستند. در نبود مطالعات کافی، بررسی وضعیت بستر کالبدی تا حدی روشنگر چگونگی و چرایی شکل‌گیری شهر بوده و نیازمند توجه است.

۱ـ۱. دامنهٔ جغرافیایی و زیستی نراق

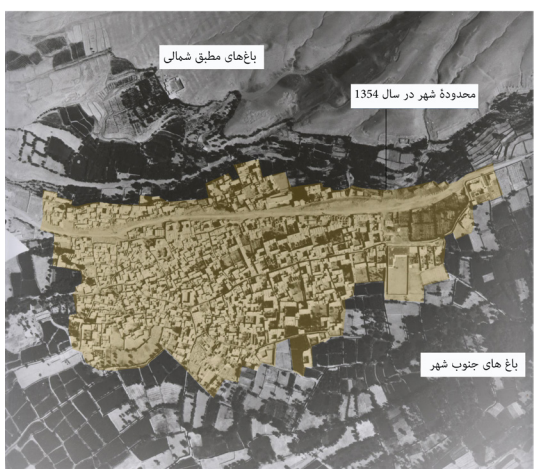
نراق که در شمال توسط رودره و باغ‌های واقع در دامنهٔ کوه اُل و در جنوب به‌وسیله باغ‌ها و زمین‌های زراعی دربرگرفته شده است (تصویرهای ۱تا۳)، هسته‌ای سکونتی در دل بستری برخوردار از آب کافی برای تولیدات کشاورزی است. بررسی هستهٔ سکونتی و بستر زراعی شهر نشان می‌دهد که فارغ از کارکرد و بافت ناشی از مصالح شکل‌دهنده به‌هرکدام از دو محدودهٔ زراعی یا سکونتی، ساختار فضایی در هر دو محدوده یکی است. این ساختار ارگانیکِ ناشی از شکل زمین، ارتباطی اندام‌وار را میان شهر و بستر زراعی آن ایجاد کرده و کل زیستگاه نراق را یکپارچه کرده است.

۱ـ۲. تاریخ شکل‌گیری نراق

سابقهٔ نراق در منابع مکتوب دست کم به سدهٔ ۴ ه‌ق بازمی‌گردد (قمی ۱۳۶۱، صص ۷۲-۷۳) و به‌نظر می‌رسد پیش از اسلام نیز به‌واسطهٔ پاره‌ای آتشکده‌های پیرامون آن (صفری، ۱۳۴۲)، مکان مورد توجهی بوده است. این سابقه در شرح متأخر اعتمادالسلطنه (۱۳۶۸، ص۱۹۵۴) در مرآه‌البلدان نیز بازتاب یافته است. پیش از اعتمادالسلطنه، حاج‌زین‌العابدین شیروانی (۱۲۶۳، ص۵۷۳) در نیمهٔ اول سدهٔ سیزدهم ه.ق نیز شرحی از نراق و باغ‌های آن و وضع طبیعی‌اش ارائه کرده است. اما سابقهٔ



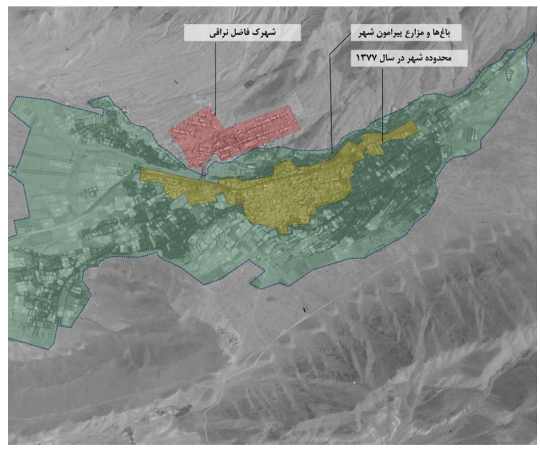
تصویر۱: موقعیت شهر در سال ۱۳۴۵



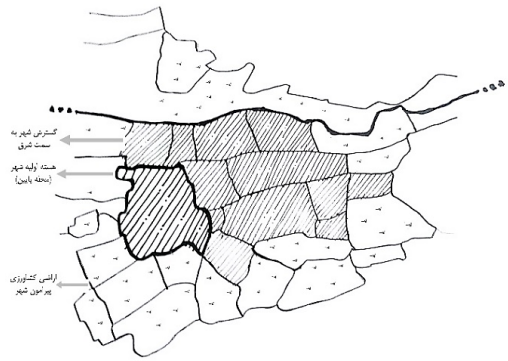
تصویر ۲: موقعیت شهر در سال ۱۳۵۴

مدیریت شهری
فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۵۵ تابستان ۹۸
No.55 Summer 2019

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]



تصویر ۳: موقعیت شهر در سال ۱۳۷۷



تصویر ۴: موقعیت توسعه شهر به‌سمت شرق بر روی تراسه‌های کشاورزی

تاریخی مستدل نراق به‌واسطهٔ بقعهٔ امامزاده یحیی و امامزاده سلیمان و مسجد محلهٔ پایین (امام حسن) به سدهٔ هفتم هجری و دورهٔ صفویه بازمی‌گردد؛ که با نتایج گمانه‌زنی در محدودهٔ پیرامون مسجد امام حسن مبنی بر سابقهٔ سکونت از حدود سده‌های ۶ تا ۹ ه‍ق هماهنگی دارد (فضلی، ۱۳۸۹).

۲. عناصر شاخص و ساختار شهری نراق

عناصر شاخص همچون هستهٔ سکونتی اولیه و ثانویهٔ شهر، گذر بازار به عنوان مهم‌ترین محور تجاری شهر، خیابان به مثابه محور مرکزی جدید شهر و توسعهٔ شهری در شمال رودخانه بیشترین تأثیر را بر ساختار شهر می‌گذارند و لازم است مطالعه و بررسی شوند.

۲ـ۱. هستهٔ سکونتی اولیه و هسته‌های ثانوی

بررسی عکس هوایی سال ۱۳۴۵ نشان می‌دهد که محدودهٔ شهر از بافت فیزیکی همگنی تشکیل نشده است (تصویرهای ۱و۶)؛ بلکه یک هستهٔ ریزدانه به‌گونه‌ای در میانهٔ غربی تا منتهی‌الیه غربی شهر واقع شده که بافت درشت‌دانه‌ای به‌شکل U و در راستای شرقی غربی، این هسته را دربر گرفته است. به‌نظر می‌رسد کانون هستهٔ یادشده، مسجد امام حسن (ع) یا محلهٔ پایین با سابقهٔ صفوی، میدانچهٔ متصل به مسجد و محدوده‌های مجاور آن در منتهی‌الیه غربی شهر است و دو امامزادهٔ سلیمان و یحیی که سابقهٔ تاریخی‌شان به دورهٔ صفوی و سدهٔ هفتم ه.ق بازمی‌گردد، می‌بایست نشان‌دهندهٔ گورستان قدیمی باشند. این موضوع چنان‌چه پیش‌تر ذکر شد با یافته‌های محدود باستان‌شناختی هماهنگی دارد (فضلی، ۱۳۸۹).

پیرامون هستهٔ کهن، کشتزارها و باغ‌هایی در شرق، غرب و جنوب وجود داشته و گسترش شهر بر روی بافت این مزارع در جنوب و غرب رخ داده است. بافت متراکم جنوب شهر و محلهٔ بالا که به‌سمت شرق کشیده شده، محدودهٔ تغییر شکل نراق تا زمان قاجار بوده است. محلهٔ بالا ارتباط بیشتری نسبت به محلهٔ پایین با بازار داشته و به‌واسطهٔ وجود خانه‌های اعیانی تجار و متمولین محلی، الگوی معماری متفاوتی نسبت به محلهٔ پایین دارد (تصویر ۴).

۲ـ۲. گذر بازار

گذر بازار که حاصل توسعهٔ شهری در امتداد راه تاریخی کاشان به دلیجان است، بخشی از راه تاریخی است که در محدودهٔ شهر قرار گرفته است؛ مقصود راهی است که ضرابی (۱۳۷۸، ص۱۲۳) در مرآه‌القاسان آن را «شاه‌جادهٔ» نراق نامیده است. حدود یک سده بعد از ضرابی، ماکسیم سیرو (۱۳۵۳، ص۲۲) از قصبهٔ بزرگ نراق نام می‌برد و راه ارتباطی آن در فاصلهٔ میان کاشان به دلیجان

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

را شـرح می‌دهـد؛ راهـی کـه به‌تدریـج در طـول یـک سـده اهمیـت خـود را از دسـت داده بـود.

۲ـ۳. ظهـور خیابـان به‌مثابـه محـور مرکـزی شهر

ورود خـودرو شـروع سلسـله تحولاتـی در سـاختار ارتباطـی درون شـهرهای تاریخـی بـوده اسـت. در سـال‌های اولیـهٔ ایـن تحـول، گـذر بـازار نـراق بـه یک محـور سـواره تبدیل شـد. بـا افزایـش تعـداد خودروها و به‌تدریـج، گـذر بـازار دیگـر جوابگـوی رفت‌وآمـد نبوده و بخشـی از پوشـش بـازار در مقابل کاروانسـرای حـاج مهدی تخریب شـده اسـت. در اوایـل دههٔ ۵۰ با تخریـب بخش زیـادی از بافت به‌هم پیوسـته و متراکم بخـش شـمالیِ شـهر تاریخـی، خیابـان نـراق احـداث شـد. در تصویر سـال ۱۳۵۴ بسـتر هموارشـدهٔ خیابان دیـده می‌شـود و ایـن بخـش حذف شـده در مقایسـه بـا تصویـر هوایـی سـال ۱۳۴۵ قابـل تشـخیص اسـت (تصویـر ۵). نکتـهٔ قابل توجـه در روند احـداث خیابان، محـل قرارگیـری آن اسـت. خیابـان در منتهی‌الیـه شـمالی شـهر و نزدیـک به لبهٔ تراسـه‌ای شـکل گرفته کـه شـهر تاریخـی بـر روی آن قـرار دارد و ازایـن رو آسـیب ناچیـزی به‌طـور مسـتقیم به پیکـرهٔ بـازار وارد کـرده اسـت. لذا در پی سـاخت خیابان، اگرچـه ارتباط بازار با بخش‌های شـمالی‌تر شـهر و همچنیـن رودـدره از بیـن رفته اسـت و بخشـی از جبههٔ شـمالی مجموعهٔ شمس‌السـلطنه آسـیب دیـده، اما کلیـت مجموعهٔ بازار پابرجـا مانده اسـت.

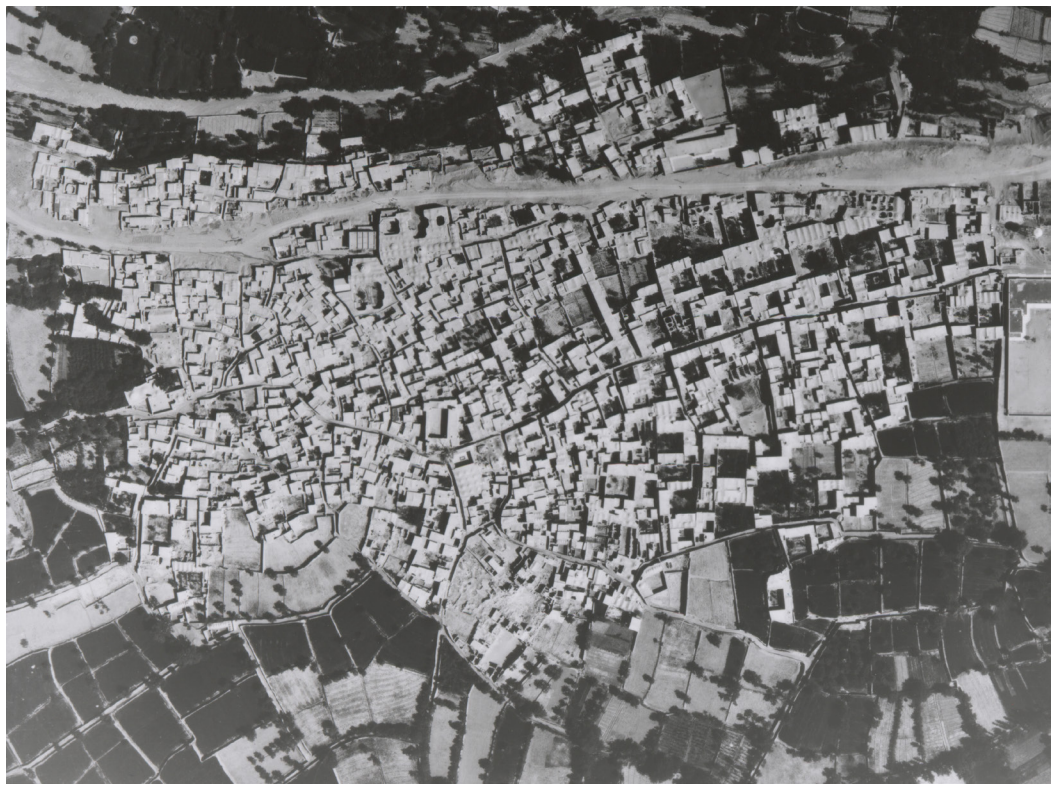
۲ـ۴. توسعهٔ شهری در شمال رودـدره

در دهـهٔ ۱۳۷۰ از سـوی نظـام مدیریـت و برنامه‌ریـزی شـهری تصمیـم بـه سـاخت شـهرک فاضـل نراقـی بـا سـاختار ارتباطـی متفاوت از شـهر تاریخی گرفته شـد؛



تصویر۵: مقایسه دو محور اصلی شهر در سال ۱۳۴۵ و ۱۳۵۴

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]



تصویر۶: شکل شهر در دهۀ ۱۳۵۰

جایی در دامنۀ جنوبی کوه اُل و تقریباً منطبق با مزرعۀ شمس‌آباد (طرح جامع ویژه نراق، ۱۳۹۴، ص ۴۰۱). لذا در همان دهه و همزمان با احداث پل بر روی رودخانۀ نراق و گسترش شهر به‌سمت شمال و ساخت شهرک فاضل، توسعۀ شهری ابعاد جدیدی یافت (همان، ص۳۳۷). بافت این شهرک شکلی ارگانیک ندارد و ازپیش برنامه‌ریزی شده است.

۳. دوره‌بندی تغییرات ساختار شهری و تهیۀ نقشه‌های پایه برای مطالعات

بر اساس تصاویر هوایی دهه‌های ۴۰ و ۵۰ نراق و همچنین بررسی‌های میدانی و لایه‌نگاری تاریخیِ شهر، سه دورۀ مهم برای تغییرات ساختار شهری قابل شناسایی است. نخستین دوره، پیش از احداث خیابان است؛ دومین دوره به تحولات پس از احداث خیابان و جای‌گیریِ آن در شهر تاریخی بازمی‌گردد و سومین دوره دربرگیرندۀ گسترش شهر در سویِ شمالیِ رودخانه طی سه دهۀ اخیر است. از آن‌جا که تغییرات ایجادشده بطور مستقیم نتیجۀ برنامه‌های تدوین‌شده در نظام مدیریت و برنامه‌ریزی شهری است، سه دورۀ یادشده را باید نتیجۀ نوع نگاه برای مدیریت و برنامه‌ریزی نراق نیز تلقی کرد. در این سه دوره، علاوه بر تحولات سازمان کالبدی-فضایی شهر، تغییراتی در نظام کارکردی و اجتماعی آن نیز رخ داده است. سه دورۀ مورد نظر به شرح زیر است.

دورۀ اول، شهر تاریخی تا دهۀ ۱۳۴۰: بازتاب ساختار تاریخی نراق در این دوره قابل مشاهده است. نراق تا دهۀ پایانی دورۀ پهلوی و باوجود تضعیف نقش تجاری منطقه‌ای، ساختار تاریخی خود را حفظ کرده است (تصویر۱).

دورۀ دوم، دهۀ ۱۳۵۰ تا دهۀ ۱۳۶۰: در اوایل دهۀ ۵۰ با احداث خیابان، ساختار تاریخی شهر مخدوش شد و اولین تغییر عمده در شکل و ساختار ارتباطی آن رخ داد. در این دوره نراق تحت تأثیر خیابان و در امتداد آن توسعه یافت (تصویر۶).

دوره سوم، دهۀ ۱۳۷۰ تا ۱۳۹۰: پس از تغییرات ناشی از برنامه‌های نوین توسعه و مدیریت شهری

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

و ساخت شهرک فاضل در شمال رودخانه، توسعه کالبدی شهر به‌سوی شمالی رودخانه و اراضی اختصاص داده شده به شهرک جدید متمایل شد. در این دوره، توسعهٔ کالبدی در بخش تاریخی، بسیار محدودتر از بخش جدید و بیشتر در راستای خیابان ادامه یافت (تصویر۳).

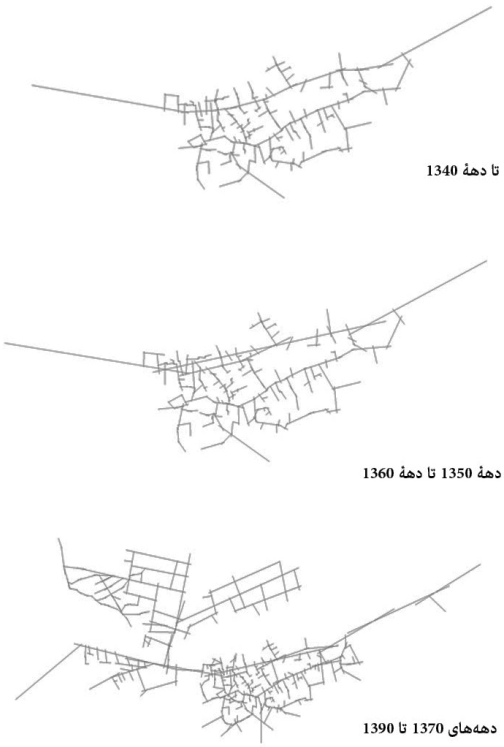
به‌منظور تحلیل تغییرات صورت گرفته در ساختار فضایی شهر، نقشه‌های سه دورهٔ یادشده ترسیم و براساس آنها، نقشه‌های محوری تهیه شدند تا امکان تحلیل سه دورهٔ تحولات شهری نراق میسر شود (تصویر ۷).

۴. تجزیه‌وتحلیل تغییرات ساختار فضایی شهر

در این مقاله، ساختار فضایی براساس ویژگی‌های کالبدی و ارتباطی مطالعه می‌شوند. به‌این‌منظور نقشه‌های محوری محدودهٔ تاریخی و شهری نراق در سه مقطع زمانی مورد نظر در نرم افزار UCL Depthmap فراخوانی و سپس تحلیل می‌شوند و ازجمله برای روشن شدن نحوهٔ اثرگذاری تغییروتحولات شهر بر ساختار فضایی آن، شاخصه‌های انسجام، گزیده و عمق بررسی خواهند شد .

۴ـ۱. سنجش انسجام کلان

انسجام به‌عنوان یکی از شاخصه‌های قابل‌اندازه‌گیری در تحلیل ساختار فضایی، از نقطه‌نظر توپولوژیک نشان‌دهندهٔ جایگاه یک محدودهٔ شهری در پیکرهٔ کلی شهر است؛ طوری‌که عناصر یا محدوده‌های دارای بیشترین انسجام، قلب توپولوژیک مجموعه و در دسترس‌ترین بخش سیستم محسوب می‌شود (مسعودی‌نژاد، ۱۳۹۵، ص۸۲). تصویر ۹، گراف‌هایی از سنجش میزان انسجام کلان شهر نراق را در سه دورهٔ مورد مطالعه نشان می‌دهند. بنا بر تصویر ۹الف، در دورهٔ نخست (تا دههٔ ۱۳۴۰) و پیش از احداث خیابان اصلی نراق، هستهٔ اصلی شهر بیشترین میزان انسجام را دارا است. این هسته شامل مسیر منتهی به بازار و دو گذر متقاطع با راستهٔ بازار و گذرهای محلهٔ بالا و

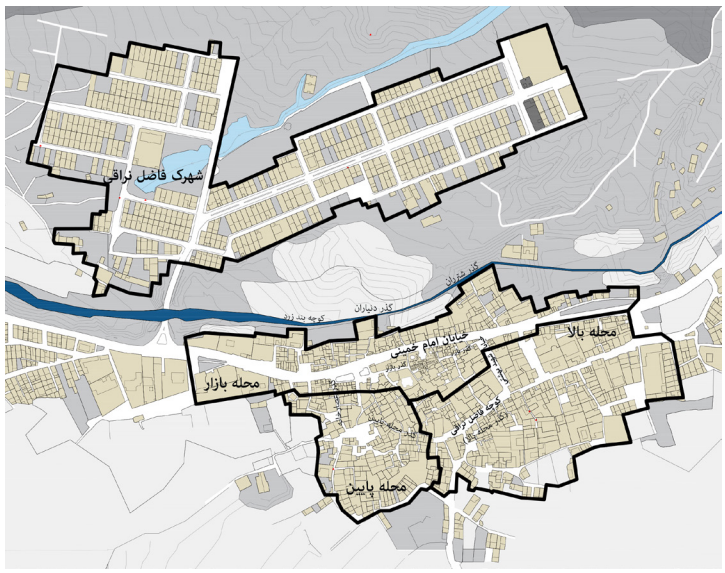


تصویر ۷: (از بالا به پایین) نقشهٔ نراق به‌صورت محوری طی دوره نخست تا سوم.

پایین (در محدوده دو گذر متقاطع با آن) است که با رنگ قرمز در تصویر ۹الف قابل مشاهده است.

در انتهای دههٔ ۱۳۵۰ و طی دههٔ ۱۳۶۰ با احداث خیابان مستقیم و طولانی امام خمینی، شاخصهٔ انسجام برای عنصر افزوده شده یعنی خیابان، مقداری نزدیک به گذر بازار دارد. این موضوع نشان می‌دهد که خیابان دست‌کم جایگاهی برابر با بازار تاریخی در ساخت فضایی شهر پیدا کرده است. از سوی دیگر مقایسهٔ گراف انسجام در دورهٔ دوم (تصویر ۹ب) و دورهٔ نخست (تصویر ۹الف) نشان از آن دارد که شاخصهٔ یادشده برای عناصر مهمی از هستهٔ تاریخی کهن یعنی گذرهای محلهٔ بالا و پایین و دو گذر شمالی جنوبی شربتی‌ها و نائب به‌میزان قابل توجهی کاهش یافته است. به‌طور کلی مقایسهٔ دو تصویر نشان می‌دهد محدودهٔ کهن پیرامون مسجد جامع ظرف چند سال پس از ساخت خیابان،

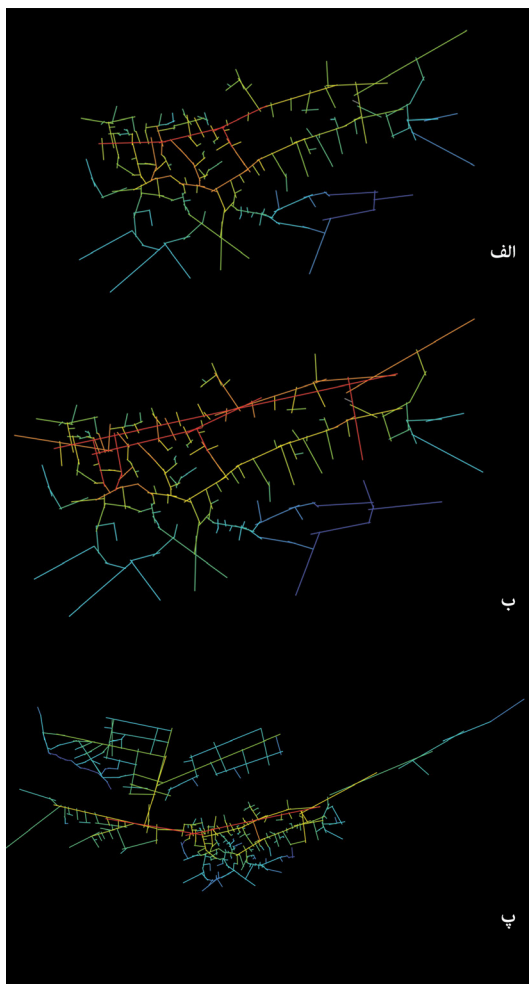
[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]



تصویر ۸: نقشه نراق به‌همراه نام محلات و معابر مهم

جایگاه گذشتهٔ خود را از دست داده است. در این دوره، خیابان امام خمینی و بازار از بیشترین مقدار شاخصهٔ انسجام برخوردار شده‌اند که به‌ترتیب برای خیابان و راستهٔ بازار برابر با ۱/۲۲ و ۱/۲۱ می‌باشد. لذا به‌نظر می‌رسد بازار هنوز تأثیرگذاری خود را حفظ کرده است و هم‌پیوندی بالایی نسبت به شهر دارد.

تصویر ۹ب آشکار می‌کند که با احداث خیابان در دورهٔ پهلوی، نقاط دورتر از بازار همچون گذرهای محلهٔ بالا و پایین بخشی از انسجام خود را از دست داده‌اند. لذا به‌نظر می‌رسد تأثیرگذاری خیابانی که در منتهی‌الیه شمالی شهر ساخته شده، همراه با تضعیف محدوده‌هایی از شهر تاریخی در منتهی‌الیه جنوبی آن بوده است. اما نکتهٔ قابل توجه این است که بازار هنوز جایگاه خود را در هستهٔ انسجام‌دهندهٔ شهر حفظ کرده است و همپای با خیابان، نقشی مرکزی و منسجم‌کننده را در شهر دارا است. برای دستیابی به علت می‌بایست طرح خیابان و نحوهٔ الحاق آن به ساختار فضایی شهر تاریخی بررسی و مطالعه شود. به‌نظر می‌رسد فاصلهٔ نزدیک و اتصال امتداد شرقی و غربی گذر بازار با خیابان به بالا ماندن شاخصهٔ انسجام برای راستهٔ بازار کمک کرده باشد. از این موضوع می‌توان نتیجهٔ مهم دیگری

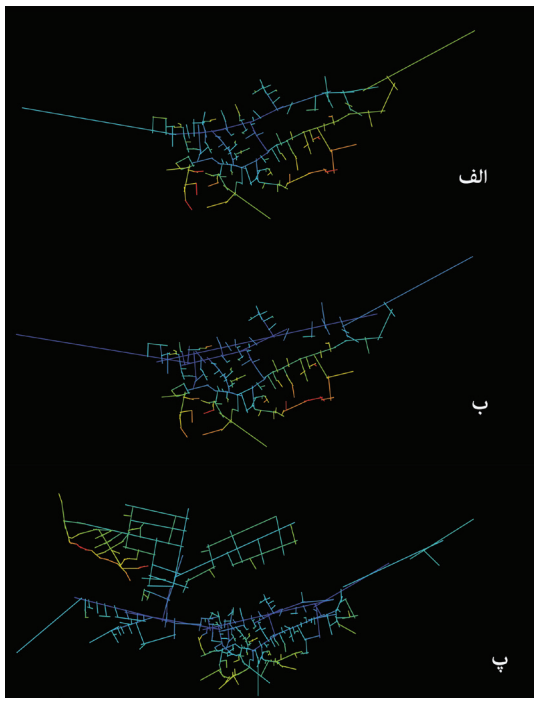


تصویر ۹: ۹الف.گراف‌های سنجش انسجام کلان شهر در دورهٔ نخست (۹الف)، دورهٔ دوم (۹ب) و دورهٔ سوم (۹پ)

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

نیـز به‌دسـت آورد؛ این‌کـه احتمـالاً خیابـان می‌توانـد در آینـده نیـز به حفـظ و ارتقاء شـاخصهٔ انسـجام بازار نـراق کمـک کنـد. در حقیقـت ایـن موضـوع می‌تواند زیربنایـی بـرای این فرضیه تلقی شـود کـه در وضعیت فعلـی بایـد خیابـان را از تهدیـد بـه فرصـت تبدیـل کرد.

بررسـی گراف انسـجام شـهر در دورهٔ سوم شـامل دههٔ ۱۳۷۰ تـا ۱۳۹۰ (تصویـر ۹پ)، موضوعـات دیگـری را در ارتبـاط با سـاختار فضایی نـراق و تغییروتحولات رخ داده‌شـده در آن آشـکار می‌کند. براین اسـاس، تعریض و توسـعهٔ گذرهـای قدیمـی و احـداث خیابان‌هـای جدیـد، اسـتخوان‌بندی شـهر را تغییـر داده اسـت و الگـوی جدیـدِ هسـتهٔ انسـجام بـه محوریـت خیابـانِ توسـعه‌یافته و طولانـی امـام خمینی در درجهٔ نخسـت و سـپس در ترکیبـی از خیابـان یادشـده و معابـر مهم متقاطع با آن شـکل گرفته اسـت؛ مقصـود خیابان‌هایی اسـت کـه از سـمت جنوب بـه گذر تعریض‌شـدهٔ فاضل نراقـی و از سـمت شـمال بـه محـدودهٔ جدیـد شـهر می‌رسـند. به‌نظـر می‌رسـد دو عامل در تغییر سـاختار فضایـی شـهر تأثیـر بیشـتری داشـته‌اند. نخسـت، نقش‌پذیـری گسـتردهٔ خیابـان امـام خمینی کـه خود بـه کانـون خطـیِ شـکل شـهر در دهـهٔ ۱۳۷۰ و بعـد از آن تبدیـل شـده و توسـعهٔ شـهری را در راسـتایی شـرقی‌ـغربی هدایـت کرده و دیگری سـاخت شـهرک فاضـل نراقـی در سـوی شـمال غربـی شـهر تاریخی و در سـمت شـمال رودـدره. در چنیـن وضعیتـی به‌نظر می‌رسـد کـه بـازار کاملاً به حاشـیه رانده شـده اسـت. موضوعـات اصلـی مـورد بحـث فـوق، از بررسـی گراف‌هـای سـنجش میـزان عمـق هـم قابـل دریافـت اسـت. شـاخصهٔ عمـق درسـت برعکـس شـاخصهٔ انسـجام اسـت و در دسـترس نبـودن بخش‌هایـی را آشـکار می‌کنـد کـه به‌اصطـلاح در عمـق بافـت قـرار گرفته‌انـد. لـذا رنگ‌هـای گرم نشـان‌دهندهٔ عمـق زیاد و در دسـترس نبـودن بخش‌هایـی از سـاختار فضایـی شـهر تلقـی می‌شـود. بررسـی گـراف عمـق در دوره نخسـت (دهـهٔ ۱۳۴۰) (تصویر ۱۰الف) نشـان می‌دهد



تصویر ۱۰: گراف‌های شاخصهٔ عمق در دورهٔ نخست (۱۰الف)، دورهٔ دوم (۱۰ب) و دورهٔ سوم (۱۰پ)

کـه بخش‌هـای جنوبـی شـهر به‌میـزان کم‌تـری در دسـترس‌اند. ایـن موضـوع احتمـالاً طبیعی اسـت؛ زیرا ایـن بخش‌هـای قرارگرفتـه در کرانه‌هـای جنوبـی، دور از هسـتهٔ شـهری بـازار واقـع شـده‌اند. امـا ایـن گـراف نکتـهٔ مهمـی را آشـکار می‌کنـد؛ ایـن کـه بـازار و گذر متصـل به مسـجد جامع، هسـتهٔ اصلی و مرکزی شـهر محسـوب می‌شـود (تصویـر ۸).

گـراف عمـق در دورهٔ دوم (دهه‌هـای ۱۳۵۰ تـا ۱۳۶۰) نیـز نتایجـی مشـابه گـراف انسـجام در همـان دهـه را نمایـش می‌دهـد (تصویـر ۱۰ب). امـا بررسـی گـراف عمـق در دوره سـوم (دهـهٔ ۱۳۹۰) آشـکار می‌کند که حتـی بخش‌هایـی از شـهرک جدیـد نیز در عمـق قرار گرفته‌اند، ارتباط شایسـته‌ای با سـاختار شـهر و هسـتهٔ انسـجام آن ندارنـد و در انـزوا به‌سـر می‌برنـد (تصویـر ۱۰پ). لـذا می‌تـوان نتیجـه گرفت که توسـعهٔ شـهری نـراق در طـول حـدود دو تا سـه دهـهٔ اخیر بـر مداری غیرصحیح تعریف شـده اسـت.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

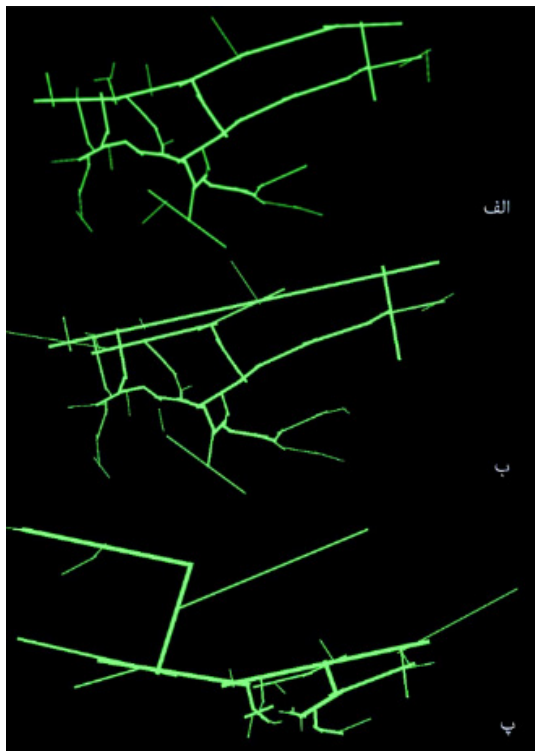
۴ـ۲. سنجش شاخصهٔ گزیده

ازسوی دیگر، بیشترین مقدار شاخصهٔ گزیده در دههٔ ۱۳۴۰ در راستهٔ بازار و امتدادهای شرقی و غربی آن و به‌خصوص در محدودهٔ کاروانسرای شمس‌السلطنه قابل مشاهده است. تصویر ۱۱الف، گرافی از میزان عددی محاسبه شدهٔ شاخصهٔ گزیده را برای عناصر مهم شهری نراق در دورهٔ نخست نمایش می‌دهد. در این گراف، میزان بالاتر شاخصه با خط ضخیم‌تر نمایش داده شده است و خروجی نرم‌افزار طوری تهیه شده است تا عناصر ارتباطی با شاخصهٔ گزیدهٔ پایین حذف شوند.

بنابراین آنچه در تصویر ۱۱الف قابل مشاهده است را می‌توان عناصر مهم ساختار ارتباطی و فضایی نراق در دورهٔ نخست دانست. به‌بیان دیگر گراف یادشده تصویری ساده شده از مهم‌ترین عناصر ارتباطی و گذرهای نراق در دههٔ ۱۳۴۰ و پیش از احداث خیابان را نشان می‌دهد. کاملاً آشکار است که گذر شرقی غربی بازار و راستای گذرهای منتهی به مسجد جامع (گذرهای محلهٔ بالا و پایین) و همچنین دو گذر شمالی جنوبیِ ارتباط دهندهٔ گذرهای یادشده، هستهٔ اصلی ساختار فضایی نراق را تا پیش از احداث خیابان شکل می‌داده‌اند.

با تخریب و تعریض گذرهای شمالی و شکل‌گیری خیابان، بیشترین میزان شاخصهٔ گزیده در دههٔ ۱۳۵۰ به خیابان جدید امام خمینی اختصاص پیدا کرده که در قسمت شمالی شهر و به‌موازات بازار ساخته شده است (تصویر ۱۱ب). اما در همین دوره نیز کماکان بازار دارای بیشترین میزان شاخصهٔ گزیده بعد از خیابان است و گذرهای محلهٔ بالا و پایین نیز جایگاه خود را حفظ کرده‌اند. در این گراف، تفاوت عمده در تضعیف نسبی محورهای شمالی جنوبی ارتباط‌دهندهٔ گذر بازار و راستای گذرهای محلهٔ بالا و پایین قابل مشاهده است. این موضوع باید نتیجهٔ ساخت خیابان تلقی شود.

در دورهٔ سوم و با تعریض و تخریب گذرهای مهم، بویژه گذرهای محلهٔ بالا و محلهٔ پایین، و ایجاد



تصویر ۱۱: گراف‌های شاخصهٔ گزیده در دورهٔ نخست (۱۱الف)، دورهٔ دوم (۱۱ب) و دورهٔ سوم (۱۱پ).

محدودهٔ شهری جدید در قسمت شمالی شهر، الگوی هستهٔ شهری تغییر کرده و مرکز شهری طویلی به‌محوریت خیابان امام خمینی شکل گرفته است (تصویر ۱۱پ). همان‌طور که گراف مربوط به دوره سوم نشان می‌دهد، طی این اقدامات، بازار به‌طور کامل تحت‌الشعاع خیابان و سایر توسعه‌های شهری قرار گرفته است. طی این تغییرات، هرچند عنصر دیگری همچون خیابان شهید بهشتی در استخوان‌بندی جدید شهر باقی مانده است، اما راستای گذرهای محلهٔ بالا و پایین گسسته شده‌اند. این موضوع که در بخش غربی گذر بازار نیز قابل مشاهده است، آشکار می‌کند که توسعهٔ شهر به‌جانب شمالی در کنار ساخت خیابان تا چه اندازه پیکره‌بندی فضایی نراق را تغییر داده است.

۴ـ۳. سنجش شاخصهٔ هستهٔ انسجام

آنچه در این تحلیل‌ها ارائه شد را می‌توان در شاخصهٔ دیگری نیز جستجو کرد. مقصود شاخصهٔ

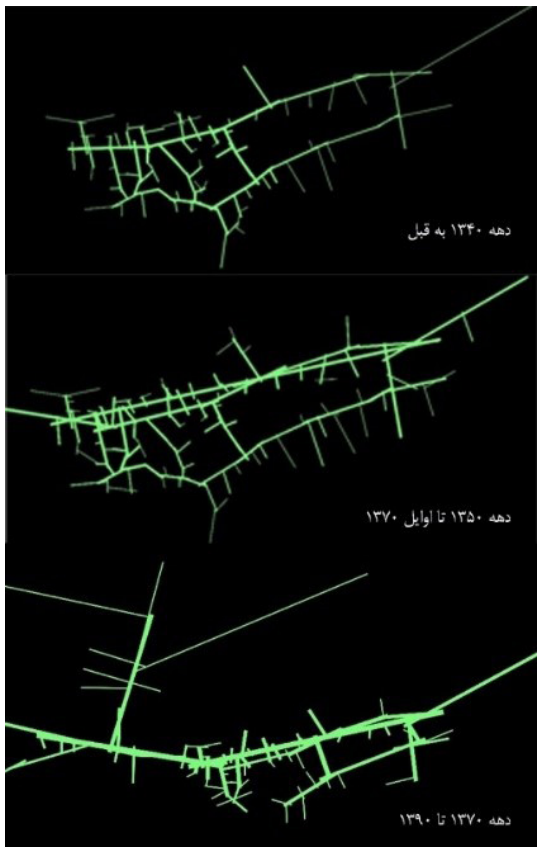
[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

هستهٔ انسجام است که در حقیقت گراف آن می‌تواند هستهٔ اصلی منسجم کنندهٔ ساختار فضایی شهر تلقی شود. این گراف‌ها طوری تهیه شده‌اند که عناصر دارای میزان شاخصهٔ پایین از گراف حذف شوند. لذا آنچه این گراف‌ها نمایش می‌دهند، هستهٔ مرکزی و منسجم‌کنندهٔ ساختار شهری است. این گراف‌ها نتایجی مشابه تحلیل‌های قبلی دارند. با این تفاوت که بطور دقیق‌تری هستهٔ شهر در هر یک از سه دورهٔ منتخب در آنها قابل شناسایی است. در ادامه سه گراف هستهٔ انسجام در دورهٔ نخست و همزمان با دههٔ ۱۳۴۰ به قبل، دورهٔ دوم و مقارن با دههٔ ۱۳۵۰ تا دههٔ ۱۳۶۰ و همچنین دورهٔ سوم از دههٔ ۱۳۷۰ تا دههٔ ۱۳۹۰ درج شده است (تصویر ۱۲). مقایسهٔ سه تصویر یادشده نشان می‌دهد که بازار چگونه نقش خود در شهر تاریخی را در طی نیم قرن از دست داده است و دیگر این‌که شهر چطور طی دوره‌ای کمتر از ۴ دهه از ساختار ارگانیک خود به شهری با ساختاری خطی تغییر شکل یافته است.

۵. بحث: نگاهی به نراق در ۶ دههٔ اخیر

با تغییر راه‌های تجاری و از بین رفتن نقش نراق در تجارت منطقه در اواخر سدهٔ پیش و ابتدای سدهٔ حاضر، مجموعه‌های وابسته به بازار رونق و جایگاه خود را از دست دادند. باوجود این، بررسی‌های صورت گرفته در این مقاله نشان می‌دهد که تا دههٔ ۱۳۴۰، نراق ساختار فضایی منسجم خود را حفظ کرده است و مشکلات حادث شده تا آن زمان، ناشی از خارج شدن شهر از مسیرهای تجاری اصلی است و نه اشکالاتی که به ساخت شهر و همچنین به نوع برنامه‌ریزی و مدیریت آن بازمی‌گردد.

به‌موازات این تحولات، احداث خیابان در نیمهٔ نخست دههٔ ۱۳۵۰ و قرار گرفتن بخشی از آن در مجاورت بازار، شرایط جدیدی را برای شهر ایجاد کرد و همزمان رغبت عمومی برای بسط فعالیت‌های تجاری خدماتی درون شهری در خیابان افزایش یافت. در نتیجه، گذر تاریخی و مهم بازار به یک معبر صرفاً ارتباطی تبدیل شد. باید در نظر داشت



تصویر ۱۲ گراف‌های شاخصهٔ هستهٔ انسجام در دورهٔ نخست (۱۲الف)، دورهٔ دوم (۱۲ب) و دورهٔ سوم (۱۲پ).

که گذر بازار با راستایی شرقی-غربی، اصلی‌ترین محور درون شهر تاریخی بوده؛ به‌طوری‌که در بخش میانی گذر، راستهٔ بازار تاریخی بصورت سرپوشیده قرار داشته است. قرارگیری دو مجموعهٔ تجاری مهم پیرامون این محور به اهمیت و تأثیرگذاری آن در شهر افزوده بود. کاروانسراهای شمس‌السلطنه و حاج مهدی، مجموعه‌هایی هستند که فعالیت‌های اقتصادی شهر را ساماندهی می‌کردند. ترکیب این عناصر در گذشته سبب شده بود تا محور بازار به هسته و مرکز شهر تاریخی تبدیل شود؛ اما با احداث خیابان، تغییراتی در ساختار ارتباطی و کارکردی شهر تاریخی ایجاد شده است.

با احداث خیابان در نیمهٔ دههٔ ۱۳۵۰، روند توسعهٔ کالبدی شهر، شکل جدیدی به خود گرفت. خیابان با راستایی شرق-غربی از مرکز شهر تاریخی عبور کرده و با شکل‌گیری یک جدارهٔ شهری، محور

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۵۵ تابستان ۹۸
No.55 Summer 2019

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

جدید با رویکردی متفاوت نسبت به لایه‌های قدیمی‌تر ایجاد شده است. طی این تغییرات، واحدهای خدماتی و تجاری از بازار به پیرامون خیابان منتقل شدند و با کاهش سکونت در محلات تاریخی، واحدهای مسکونی مرتبط با خیابان رونق بیشتری یافتند؛ در نتیجه خیابان جدید نراق به یک هسته‌محور سکونتی و خدماتی تبدیل شد. این مسئله علاوه بر فضای جدیدی که بر شهر تاریخی تحمیل کرده بود، به جایگاه شهریِ هستهٔ قدیمی‌تر نیز آسیب فراوانی وارد کرد. علاوه‌براین، تحلیل‌های صورت گرفته در این مقاله نشان می‌دهد که شکل فیزیکی خیابان و نحوهٔ قرارگیری آن، علاوه براین که هستهٔ جدیدی برای شهر تعریف کرده، جهت توسعهٔ ارگانیک شهر را به توسعه‌ای در راستای خیابان تغییر داده است. لذا بعد از احداث خیابان، ساختار ارگانیک شهر به ساختاری محوری تغییر کرده است.

با شروع دورهٔ سوم از ابتدای دههٔ ۱۳۷۰ و ساخت و توسعهٔ شهرک واقع در شمال رودـدره، ساختار فضایی نراق تغییرات بسیار گسترده‌تری را تجربه کرد. تحلیل‌ها نشان می‌دهد که ساخت این شهرک و توسعهٔ ساخت‌وساز به محدودهٔ واقع در شمال رودـدره، نراق را به شهری دو هسته‌ای تبدیل کرده؛ به‌نحوی که هر کدام از این هسته‌ها در یک جانب شمالی یا جنوبی خیابان واقع شده‌اند. این موضوع باعث شده تا اثرگذاریِ غیرسازندهٔ خیابان تشدید شود و شهر با وجود دو هستهٔ تاریخی و نو، بیشتر با کانون محوری خود یعنی خیابان معرفی شود. در این ساختار جدید، خیابان هم بخش عمدهٔ توسعهٔ شهری را به خود اختصاص داده و از توسعهٔ بخش‌های تاریخی جلوگیری کرده و هم بخش‌های تاریخی و غیر تاریخی را در حاشیه قرار داده است. شاید از همین روست که تحلیل‌های انجام شده در این مقاله نشان می‌دهد که هر دو بخش تاریخی و جدید نراق منزوی شده‌اند و شهر در خیابان خلاصه شده است.

نتیجه

مطالعهٔ پیکره‌بندی شهر و تغییرات رخ داده طی سه دورهٔ مطالعه‌شده، نشان می‌دهد که ساختار شهر طی شش دههٔ اخیر تغییرات قابل‌توجهی داشته است. اگرچه نراق در سده‌های گذشته نیز احتمالاً تغییراتی در شکل و ساختار به خود دیده است، اما تغییرات دهه‌های اخیر از این‌رو اهمیت دارد که در نتیجهٔ آنها، شهر نه‌تنها اقتصاد گذشتهٔ خود را بازنیافت، بلکه با آسیب‌های گسترده در ساختار فضایی نیز مواجه شد. تحلیل تغییرات ایجاد شده و تأثیر آنها بر پیکرهٔ شهر، آشکارکنندهٔ الگوی تغییراتی است که طی حدود شش دهه نراق را دگرگون کرده‌اند. تا پیش از سال‌های آغازین دههٔ ۱۳۵۰، شهر اگرچه راستایی شرقی غربی داشته، اما بیش از این که شهری محوری باشد، توده‌ای متشکل از بافت فیزیکی بخش‌های ساخته‌شده در کنار بافت زراعی گسترده‌ای بوده که در ترکیب با بستر طبیعی، توسعهٔ زمین‌های مزروعی و باغات را در امتداد یک محور هم‌راستا با تراسهٔ طبیعی و رود-درهٔ سمت شمال و دیگر عوارض و پستی و بلندی‌های پیرامون میسر می‌کرده است. ازاین رو ساختار کلی شهر را تا پیش از دههٔ ۱۳۵۰ و در حقیقت در دورهٔ نخست بررسی‌شده در این مقاله، باید یک تودهٔ ساخته شده در گسترهٔ وسیع اراضی کشاورزی و باغها دانست. این الگوی زیستی با اختصاص دادن اراضی مناسب برای ساخت و کاشت، امکان رشد بطئی و منطقی را نیز همراه خود داشته است. چنان‌که وضعیت واحدهای مسکونی محلهٔ بالا نشان می‌دهد که ساخت‌وساز بنابر نیاز در اراضی زراعی و باغی به‌سوی شرق گسترش داشته است.

احداث خیابان در ابتدای دههٔ ۱۳۵۰ شهر را صاحب یک مرکز یا کانون محوری کرده که اگرچه به‌تبعیت از جادهٔ کاشان به دلیجان، هم‌راستای با کل شهر است، اما الگوی توسعهٔ ارگانیک و متکی بر ساخت‌وساز در دامنه‌های زراعی را به

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

ساخت‌وساز در امتداد محور شهری جدید تغییر داده است. نتیجهٔ نخست حضور این عنصر جدید، تغییر الگوی توسعه‌ای است که با رعایت ساختار شهری و در نتیجه هویت و شکل آن، گسترش شهر را میسر می‌کرده است. حضور خیابان جدای از این که بدیلی برای مرکز اقتصادی شهر بوده، الگوی توسعهٔ آن را نیز تغییر داده و آن را به شهری محوری تبدیل کرده که امتداد آن اگرچه با محور رودخانه و لبهٔ تراسهٔ سمت جنوب آن هم‌راستا است، اما در هماهنگی با بستر و عوارض طبیعی و مصنوع آن نیست. این موضوع باعث شده است که نراق در دورهٔ دوم بررسی‌شده در این مقاله به شهری خطی تبدیل شود. در پی این تغییر مهم، از ارزش فضایی بخش‌های جنوبی محدودهٔ تاریخی شهر کاسته شده و این بخش‌ها منزوی شده‌اند.

طی تغییرات رخ داده در دورهٔ دوم (دههٔ ۱۳۵۰ تا اوایل ۱۳۷۰) و به‌استناد یافته‌های این مقاله، بازار از نظر فضایی هنوز در جای مهمی از شهر محوریِ متکی بر خیابان قرار دارد و نقشی اساسی در پیکره‌بندی شهر دارا است. اما به‌نظر می‌رسد با توسعهٔ خیابان، صنایع و فعالیت‌های تجاری باقیمانده در بازار به‌تدریج از راسته و محور بازار به‌سوی محور جدید شهری مهاجرت کرده‌اند. لذا بازار از نیمهٔ دههٔ ۱۳۵۰ دورهٔ ثانوی از دست دادن رونق خود را پس از تحولات ابتدای سدهٔ حاضر تجربه کرده است.

اگرچه ساخت‌وساز در سمت شمال رودخانه به‌صورت بسیار محدود از دههٔ ۱۳۵۰ آغاز شده، اما توسعهٔ شهریِ متکی به محلات مسکونی در سوی یادشده از انتهای دههٔ ۱۳۶۰ تغییراتی وسیع در ساختار فضایی نراق ایجاد کرده است. در اثر این تغییرات، شهر محوری دورهٔ دوم به‌سرعت به شهری دو هسته‌ای تبدیل شده است که خیابان، اتصال دهندهٔ آنها است. لذا نقش خیابان از هر محور تاریخی دیگری گسترده‌تر شده و ساختار فضایی شهر را به خود معطوف کرده است. تصمیم به ساخت منطقهٔ مسکونی جدید در برنامهٔ توسعهٔ شهر، به مهاجرت درون‌شهری به‌سوی محدودهٔ شمال خیابان و رودخانه منجر شده و شهر تاریخی با افزایش شدید واحدهای بدون سکونت روبرو شده است. این مسأله که روند فرسایش و تخریب واحدها مسکونی را شدت بخشیده در بناهای مهمی همچون بازار نیز به‌وقوع پیوسته است. علاوه براین، ساختار جدید شهر که به‌طور گسترده‌ای بر خیابان ناهماهنگ با ساختار ارگانیک استوار شده است و همچنین قرارگیری هستهٔ شهری تاریخی در سوی جنوب خیابان و هستهٔ مسکونی جدید در سوی شمالی، انزوای هر دو هستهٔ یادشده را در پی داشته است.

منابع

۱. جیحانی، حمیدرضا؛ عمرانی‌پور علی و فاطمه رجبی (۱۳۹۷)، «مطالعه و تبیین چارچوب و راهبردهای حفاظت از بازار تاریخی نراق و محدودهٔ شهری پیرامون»، مطالعات معماری ایران، (۱۴)، دانشگاه کاشان، ۴۷ـ۷۸.

۲. خسروی، محمدرضا (۱۳۷۵)، «نراق در آیینه تاریخ»، تهران، موسسه فرهنگی آفرینه.

۳. سلطان‌محمد، سیف‌الدوله (۱۳۶۴)، «سفرنامه سیف‌الدوله معروف به سفرنامه مکه»، به‌تصحیح و تحشیه علی‌اکبر خداپرست، تهران، نشر نی.

۴. سلطانی‌فرد، هادی؛ حسین حاتمی‌نژاد، مصطفی عباس‌زادگان و احمد پوراحمد (۱۳۹۳)، «تحلیل دگرگونی بافت تاریخی شهر سبزوار با استفاده از تئوری چیدمان فضا (۱۲۸۵-۱۳۸۵ه‌ش)»، فضای جغرافیایی، ۱۴ (۴۸)، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهر، ۱۶۳-۱۷۹.

۵. سیاح، محمدعلی‌بن‌محمدرضا (۱۳۴۶)، «خاطرات حاج سیاح یادوارهٔ خوف و وحشت»، به‌تصحیح سیف‌الله گلکار، تهران، موسسه انتشارات امیرکبیر.

۶. سیرو، ماکسیم (۱۳۵۳)، «راه‌های باستانی ناحیه اصفهان»، ترجمه مهدی مشایخی، تهران، سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

۷. شیروانی، زین‌العابدین‌بن‌اسکندر (۱۲۶۳)، «بستان السیاحه»، تهران، نسخه خطی (کتابخانه سنایی).
۸. صادقی، سارا؛ محمود قلعه‌نوعی و صفورا مختارزاده (۱۳۹۱)، «بررسی تأثیر طرح‌های توسعه معاصر بر ساختارفضایی هسته تاریخی شمال اصفهان» مجله مطالعات شهری، ۲ (۵)، دانشگاه کردستان، ۳-۱۲.
۹. صفری، حسین (۱۳۴۲)، «تاریخ و فرهنگ دلیجان»، تهران، موسسه نشر بلخ.
۱۰. عباس‌زادگان، مصطفی (۱۳۸۱)، «روش چیدمان فضا در فرایند طراحی شهری با نگاه به شهر یزد» فصلنامه مدیریت شهری و روستایی، ۳(۹)، تهران، ۶۴-۱۱۵.
۱۱. علی آبادی، زینب و حمیدرضا بابایی (۱۳۹۶)، «تحلیل تأثیر طرح‌های توسعهٔ شهری بر ساختار فضایی خرد و کلان شهرها (مطالعه موردی: طرح محور زینبیهٔ شهر زنجان)» پژوهش‌های جغرافیای برنامه‌ریزی شهر، ۵(۴)، دانشگاه تهران، ۶۷۰-۶۴۵.
۱۲. عمرانی‌پور، علی؛ حمیدرضا جیحانی، بابک عالمی و فاطمه رجبی (۱۳۹۷)، «بازار نراق، میراث‌دار محیط طبیعی، راه تاریخی و شهر قاجار» صفه، ۲۸(۸۳)، دانشگاه شهید بهشتی، ۹۳ـ۱۱۸.
۱۳. فضلی، قاسم (۱۳۸۹)، «گمانه‌زنی در شهر نراق (گزارش منتشر نشده)»، ادارهٔ کل میراث فرهنگی و گردشگری استان مرکزی.
۱۴. قمی، حسن‌بن‌محمدبن‌حسن (۱۳۶۱)، «تاریخ قم»، ترجمه حسن‌بن‌علی‌بن‌حسن عبدالملک قمی، تصحیح و تحشیه استاد سید جلال‌الدین تهرانی، تهران، انتشارات توس.
۱۵. کلانتر ضرابی، عبدالرحیم (۱۳۷۸)، «تاریخ کاشان». به‌کوشش ایرج افشار. تهران، امیرکبیر.
۱۶. مجابی، سید مهدی (۱۳۸۴)، «طرح راهبردی بافت تاریخی نراق». شهرداری نراق.
۱۷. مسعودی‌نژاد، رضا (۱۳۹۵)، «مطالعهٔ تطبیقی بازار تجاری و بازار اجتماعی با نگاهی معطوف به بازارهای تاریخی دزفول و شوشتر به‌عنوان بازار تجاری»، مطالعات معماری ایران، ۱۰، دانشگاه کاشان، ۷۳-۱۰۰.
۱۸. مهندسین مشاور آمود (۹۲-۱۳۹۵)، «طرح جامع ویژه نراق»، تهران، وزارت راه و شهرسازی.
19. Hillier, B (1997), The Reasoning Art or the Need for an Analytic Theory of Architecture. Space Syntax First International Symposium, pp3-4
20. Karimi, Kayvan (1997), The spatial logic of organic cities in Iran and the United Kingdom, Proc. Space Syntax 1st Intl. Sym, London, Volume I, pp 1-17.
21. 2000) ـــــ), Urban conservation and spatial transformation: preserving the fragments or maintaining the 'spatial spirit', URBAN DESIGN International, Volume 5, pp 221-231.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]